

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و سوم

پاییز ۱۳۹۹

تحلیل انتقادی آرای شرق‌شناسان در باب امنیت در ایران

مورد مطالعه: آثار سر جان مالکم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۸/۲۰

رضا بیگدلو^۱

محمد احمدآبادی^۲

شرق‌شناسی بر شبکه‌ای از بازنمایی‌ها، دانش‌ها و باورهای اجتماعی - سیاسی خاص استوار شده است و گفتمانی متمایز را پدید آورده است. ایران‌شناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های شرق‌شناسی در بسیاری از اصول و مبانی با شرق‌شناسی همانند است. پژوهش‌های شرق‌شناسی، منبع عمده تولید آرا و مفاهیم در باب ماهیت جوامع شرقی هستند و برای شناخت و تحلیل این جوامع به کار گرفته می‌شود. شرق‌شناسی مناسبات اجتماعی جوامع شرقی را با حاکمیت دولت مبتنی بر استبداد شرقی، نبود جامعه مدنی، نبود مالکیت خصوصی، ایستایی و رکود، تضاد دولت - ملت، نبود قانون مدون، تبعیت برده‌وار رعایا از حاکم و عدم ثبات و امنیت سیاسی و اجتماعی تبیین می‌کند.

۱. استادیار تاریخ، گروه پژوهشی جغرافیای سیاسی، پژوهشکده جغرافیای انتظامی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی (bigdelor@gmail.com).

۲. استادیار تاریخ، گروه پژوهشی جغرافیای سیاسی، پژوهشکده جغرافیای انتظامی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی (mahamadabadi1353@gmail.com).

آرای سر جان مالکم به‌عنوان ایران‌شناسی برجسته در ساخت نظریات مربوط به ماهیت دولت و جامعه و مناسبات مابین آن‌ها بسیار تأثیرگذار بوده است. این پژوهش با روش تحلیل تاریخی و با واکاوی مبانی اساسی تشکیل‌دهنده آرای مالکم، مفهوم امنیت و سازوکارهای امنیت‌سازی در جامعه ایران از دیدگاه مالکم نقد و بررسی می‌کند. یافته‌های این پژوهش بیان‌گر آن است که مالکم، امنیت‌سازی در ایران را از منظر حکومتی استبدادی تحلیل می‌کرد که با تکیه بر قدرت نظامی و ترس مردم از حکومت، موفق به برقراری امنیت می‌شد. از نظر او، دین اسلام و احکام آن از عوامل تولید استبداد، ناامنی و بی‌ثباتی در جوامع اسلامی از جمله ایران بود. در حالی که امنیت‌سازی در ایران، بیش از آن‌که بر اساس عامل ترس از قدرت حاکمه باشد، بر فرهنگ و سنت‌های اجتماعی و آموزه‌های دینی استوار بوده است.

کلیدواژگان: ایران، شرق‌شناسی، ایران‌شناسی، امنیت، سر جان مالکم.

۱. مقدمه

شرق‌شناسی به‌عنوان مجموعه مطالعات منسجم درباره موضوعات و مسائل مختلف جوامع شرقی، تأثیر غیر قابل انکاری در کسب شناخت و تولید مفاهیم در باب جوامع شرقی دارد. ایران‌شناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های شرق‌شناسی در بسیاری از اصول و مبانی، مانند شرق‌شناسی است. نقد و تحلیل گفتمان شرق‌شناسی به این دلیل دارای اهمیت و ضرورت است که آنچه جامعه‌شناسی تاریخی برای تحلیل و بررسی جامعه ایرانی و مناسبات آن در طول تاریخ به کار می‌گیرد تا حدود زیادی، تحت تأثیر گفتمان شرق‌شناسی پدید آمده است. پژوهش‌های شرق‌شناسی منبع عمده تولید مفاهیم و نظریات

درباره ایران هستند و هم‌چنان، سایه سنت‌های شرق‌شناسی بر سر جامعه علمی کشور سنگینی می‌کند.^۱

آثار سر جان مالکم^۲ به سبب اهمیت و تأثیرگذاری بر شناخت تاریخ، جامعه ایران و مناسبات بین دولت و مردم جایگاه خاصی دارد. مالکم به عنوان یکی از بنیان‌گذاران ایران‌شناسی نوین انگلیسی و نظریه پرداز شرق‌شناسی انگلیسی و اثر او به عنوان اولین تاریخ مدرن ایران شناخته می‌شود.^۳ سر جان مالکم، اولین سفیر بریتانیا در دربار فتحعلی‌شاه بود. سفر هیئت وی، آغازگر دوره‌ای جدید در روابط ایران با انگلستان و اروپا بود.^۴ ایران بعد از

۱. ر.ک: داریوش رحمانیان و ابراهیم توفیق، «سنت‌های شرق‌شناسی در مطالعات اسلامی - ایرانی»، کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۸۳؛ حسین کجویان، ابراهیم توفیق و محمدامین قانع‌ی‌راد، «از شرق‌شناسی تا عقلانیت سنت و عقلانیت مدرن»، کتاب *ماه علوم اجتماعی*، ش ۴۶ و ۴۷؛ محمدامین قانع‌ی‌راد، ابراهیم توفیق و حسین کجویان، «مشکل علوم اجتماعی پیوند آن با شرق‌شناسی است»، کتاب *ماه علوم اجتماعی*، ش ۴۴ و ۴۵.

2. Sir John Malcolm.

۳. کتاب *تاریخ ایران* مالکم، اولین کتاب تاریخ در مورد ایران در دوره جدید است و پیش‌قدم بر دیگر آثار و تأثیرگذار بر تاریخ‌نویسان بعدی است (ر.ک: عباس قدیمی‌قیداری، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، ص ۱۶۹-۱۷۰).

۴. اهمیت دست‌آوردهای هیئت سیاسی مالکم به اندازه‌ای بود که فرمانفرمای هند نوشت، مالکم کلیه مقاصد خود را به خوبی انجام داد و یک روابط سیاسی و تجاری با ایران برقرار نمود که منافع عمده‌ای برای انگلستان دارد. موفقیت‌های او، دولت انگلستان را به منافع سیاسی و اقتصادی مهمی خواهد رساند (محمود محمود، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم*، ج ۱، ص ۳۳ و ۴۴)؛ در مورد اهمیت سفارت مالکم و تأثیرگذاری وی در گشودن دوره‌ای جدید از مناسبات ایران و اروپا ر.ک:

harrington, sir john Malcolm and creation of british india, p 83.

عصر صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق.) روابط مؤثر خود با دنیای غرب را از دست داده بود. حدود یک قرن بود که هیئتی سیاسی اروپایی به ایران نیامده بود و ایران از تحولات شگرفی که در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و صنعتی در آن سوی جهان رخ داده بود، کمابیش بی‌خبر مانده بود. مأموریت‌های مالکم به ایران انگیزه سیاسی داشت، اما او در این مأموریت‌ها به گردآوری منابع و اطلاعات درباره تاریخ و جامعه ایران پرداخت که نتیجه آن کتاب‌هایی چون منظومه ایران (Persia: A poem, anonymous) (۱۸۱۴ م.)؛ نماهایی از ایران (Sketches of Persia)^۱ که شرح مسافرت او به ایران است و تاریخ ایران (The History Of Persia) است. کتاب اخیر، سنگ‌بنای تاریخ‌نگاری نوین درباره ایران در دوران جدید را بنیان‌گذاری کرد. به طوری که از زمان انتشار کتاب تاریخ ایران او در سال ۱۸۱۵ م. در دو جلد قطور در لندن، این کتاب مورد توجه زیادی در بریتانیا و اروپا واقع شد و شهرت بسزایی برای نویسنده‌اش فراهم آورد. به سبب نوشتن این کتاب، دانشگاه آکسفورد با دادن درجه دکترای حقوق از او تجلیل کرد.^۲

این کتاب در سال ۱۳۰۳ ق. به وسیله میرزا اسماعیل حیرت به فارسی ترجمه شد و پس از آن به یکی از منابع اصلی شناخت جامعه و تاریخ ایران تبدیل گردید و مورد ارجاع عمده پژوهش‌گران ایرانی و غیرایرانی قرار گرفت.^۳ کتاب او نه تنها در جهان انگلیسی

1. Sir john mahcolm, sketches of Persia, j. murry. Oxford university. 1854,

۲. یاب، «دو مورخ انگلیسی»، تاریخ‌نگاری در ایران (مجموعه مقالات)، ص ۱۳۹.
۳. تأثیر کتاب تاریخ ایران سر جان مالکم بر تاریخ‌نگاری جدید ایرانی را می‌توان در آثاری چون آیینه سکندری میرزا آقاخان کرمانی دید (فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۱۵۲)؛ نمونه‌هایی از تأثیر بر منابع تاریخی و اجتماعی ایران عبارت است از: رضا شعبانی، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، ص ۱۷۹؛ پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۳ و ۱۹.

زبان، بلکه در کل اروپا، اثری مرجع به شمار می‌رفت و حتی مورد استفاده اعضای هیئت اعزامی ناپلئون (۱۸۰۴-۱۸۱۴ م.) به ایران قرار گرفت.^۱

مالکم در جلد دوم کتاب *تاریخ ایران* در شرح و توصیف وضعیت مناسبات دولت و جامعه، اشاره‌ای هم به چگونگی امنیت‌سازی در ایران دارد و درباره این موضوع مهم، مناسبات دولت و جامعه را با تأکید بر استبدادی بودن حکومت، نبود قانون، جدایی دولت و ملت و عامل دین تبیین می‌کند. این مقاله بر آن است با روش تحلیل تاریخی به نقد دیدگاه مالکم درباره مفهوم امنیت و سازکارهای امنیت‌سازی در ایران بپردازد. بدین منظور با توجه به مؤلفه‌های اساسی شرق‌شناسی و بازنمایی آن در دیدگاه‌های سر جان مالکم و با روش تحلیل تاریخی، آرای مالکم را درباره عوامل مؤثر بر مناسبات دولت-جامعه و امنیت‌سازی نقد و بررسی می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

درباره نقد شرق‌شناسی، آثار متعددی در دهه‌های اخیر پدید آمده است، اما درباره آرای ایران‌شناسان، پژوهش‌های کمتری صورت گرفته است. درباره اندیشه و آثار سر جان مالکم، چند پژوهش انجام شده است. علی‌محمد طرفداری در کتاب *ملی‌گرایی، تاریخ‌نگاری و شکل‌گیری هویت ملی نوین در ایران* به چگونگی تأثیر شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در شکل‌گیری تاریخ‌نگاری نوین ایرانی و شکل‌گیری هویت ایرانی پرداخته است و جایگاه اثر *تاریخ ایران* را در بین آثار نوشته شده به وسیله ایران‌شناسان و مورخان ایرانی بررسی کرده است.

هم‌چنین، محسن خلیلی در مقاله *نقدی از دیگر-ایران‌شناسی انگلیسی‌ها*، مهم‌ترین محورهای دیگری‌سازی ایرانیان در آثار ایران‌شناسی انگلیسی را مورد تحلیل و موشکافی

۱. علی‌محمد طرفداری، *ملی‌گرایی، تاریخ‌نگاری و شکل‌گیری هویت ملی نوین در ایران*، ص ۲۸ و ۲۹.

قرار داده است. رضا بیگدلو در مقاله‌ای با عنوان *پیوند شرق‌شناسی و استعمار، انگیزه‌های نگارش کتاب تاریخ ایران* و برخی از آرای نویسندگان را بررسی و ارزیابی مختصری کرده است. ای. یاپ در مقاله‌ای با عنوان *دو مورخ انگلیسی به بررسی آثار و برخی آرای مالکم درباره تاریخ ایران* پرداخته است.

هم‌چنین درباره آثار و اقدامات مالکم در هند کتابی با عنوان Sir John Malcolm and Creation of British india به قلم Jack Harrington نوشته شده است. با این حال، اثری انتقادی درباره افکار و اندیشه‌های مالکم به‌ویژه درباره دیدگاه‌های او درباره جامعه و مناسبات آن پدید نیامده است. بر این اساس، این مقاله بر آن است، دیدگاه‌های مالکم درباره امنیت‌سازی در ایران را بررسی انتقادی نماید.

۳. مؤلفه‌های اساسی شرق‌شناسی

شرق‌شناسی مجموعه‌ای از مطالعات و تحقیقات دانشمندان و مؤسسات کشورهای غربی در مورد موضوعات و مسائل مختلف شرقی است.^۱ ایران‌شناسی را به عنوان شعبه و شاخه‌ای از شرق‌شناسی می‌توان مجموعه منظمی از مطالعات و پژوهش‌هایی دانست که از سوی دانشمندان غربی برای شناخت زبان، ادبیات، تاریخ و فرهنگ ایران زمین و حوزه تمدن ایرانی صورت گرفته است. درباره اهداف، انگیزه‌ها و ماهیت شرق‌شناسی بحث و گفت‌وگوهای فراوانی صورت گرفته است.

گفتمان شرق‌شناسی حداقل سه بعد اساسی دارد. نخست مفهومی پژوهش‌گرانه و عالمانه، دوم گونه‌ای سبک و اسلوب تفکر و اندیشیدن که بر تفاوت‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی بین شرق و غرب تأکید دارد و سوم نوعی گفتمان سلطه و ابزار برای اعمال سلطه بر شرق. اگر گونه اول را بعد علمی بدانیم، گونه دوم بعد فلسفی و گونه سوم بعد ابزاری شرق‌شناسی است.

۱. داریوش آشوری، *ما و مدرنیته*، ص ۷۱.

ادوارد سعید (د. ۲۰۰۳ م.)^۱ با تأکید بر ابعاد دوم و سوم شرق‌شناسی، ادبیاتی انتقادی را در این باب استوار کرد.^۲ اگر ادعاهای سعید درباره کلیت شرق‌شناسی را درست ندانیم، آرای او درباره شرق‌شناسی انگلیسی و ایران‌شناسی آن به حقیقت نزدیک است. سعید شرق‌شناسی را گفتمانی می‌داند که به مقتضای گسترش سلطه استعماری غرب پدید آمده است و می‌کوشد هم‌زمان با مفاهیم و آرای مورد نظر، شرق را شناسایی کند و تحت سلطه قرار دهد.^۳

برای بررسی دیدگاه‌های سر جان مالکم به عنوان یک شرق‌شناس و ایران‌شناس برجسته، لازم است به مهم‌ترین مؤلفه‌های شرق‌شناسی اشاره شود و سپس بر اساس آن‌ها، دیدگاه‌های سر جان مالکم مورد تحلیل انتقادی قرار گیرد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های شرق‌شناسی با تأکید بر شرق‌شناسی انگلیسی را به شرح ذیل می‌توان معرفی کرد.

۱-۳. شرق‌شناسی گفتمانی معرفت‌ساز

در گفتمان شرق‌شناسی، شرق به مثابه یک متعلق شناسا (ابژه) و شرق‌شناس در جایگاه فاعل شناسا (سوژه) قرار می‌گیرد. شرق‌شناس با اتکا به دانش و ابزارهای پژوهش به مطالعه و پژوهش درباره جوامع شرقی اقدام می‌نماید و به تولید نظریه‌ها و مفاهیمی درباره این جوامع می‌پردازد. نظریه‌ها و مفاهیم تولید شده، گفتمانی را تشکیل می‌دهند که منبع عمده رجوع دانش‌پژوهان غربی و شرقی درباره مسائل مختلف این جوامع است.

۱. ادوارد سعید نظریه پرداز ادبی، منتقد فرهنگی و فعال سیاسی فلسطینی - آمریکایی است. او در دانشگاه‌های هاروارد و پرینستون درس خوانده است و استاد زبان انگلیسی و ادبیات تطبیقی در دانشگاه کلمبیا است. سعید به عنوان یکی از بنیان‌گذاران نظریه پسااستعماری شناخته می‌شود. نظریه شرق‌شناسی از ابتکارات فکری او است.

۲. ادوارد سعید، شرق‌شناسی، ۱۳۷۱.

۳. همان، ص ۱۶.

با وجود بعد علمی و پژوهشی این گفتمان، آنچه باید به آن توجه کرد، رابطه شناختی بین ابژه و سوژه است که سوژه (شرق‌شناس) شرایط خود را بر ابژه (شرق) تحمیل می‌کند و او را در چارچوب مورد نظر خود قرار می‌دهد. در این گفتمان، شرق‌شناس امکان و شایستگی صحبت به جای شرقی را می‌یابد. انسان شرقی با دانشی روبه‌رو می‌گردد که بر ذهن و روان او مسلط می‌شود و با تکیه بر آن می‌آموزد که به تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و زبان خود به گونه‌ای دیگر بنگرد و در نهایت، خودآگاهی و هویتی کسب می‌کند که سرچشمه آن، گفتمان شرق‌شناسی است.^۱

۲-۳. شرق‌شناسی به مثابه سازه‌ای اسلام‌ستیز

اسلام‌ستیزی در شرق‌شناسی بر چندین آبشخور فکری بنا گردیده بود. در واقع، عصر جدید بر اساس اومانیزم، سکولاریسم، دین‌ستیزی و ضدیت با کلیسا استوار شده بود و مشرب دیگر از دشمنی تاریخی اسلام و مسیحیت مایه می‌گرفت. مسلمانان در مراحل مختلف رویارویی خود با جهان مسیحیت تبدیل به یک ضربه روحی پایدار برای جهان غرب شده بودند. بر این اساس در غرب و در گفتمان غالب شرق‌شناسی، دیدگاهی درباره اسلام شکل گرفته بود که عمده آن بر این مبنا بود که ۱. اسلام، دینی غیرالهی، فریبکارانه و بدون حقیقت است، ۲. اسلام دین زور و شمشیر است و ۳. در دین اسلام، شهوات انسانی آزاد و رها شده است.^۲

بسیاری از شرق‌شناسان اسلام را mohomadism و مسلمانان را محمدی (Mohomaden) می‌نامیدند که این مفهوم را به همراه داشت که اسلام، دینی الهی نیست. بلکه، اسلام محصول فکر و ذهن پیامبر ﷺ بوده است. در واقع بر اساس باورهای شرق‌شناسی به لحاظ روان‌شناختی، اسلام سبب گرایش‌هایی چون گوشه‌گیری، استبداد

۱. داریوش آشوری، ما و مدرنیته، ص ۲۴۹.

۲. محسن الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ص ۵۸.

محوری، تسلیم و اعتقاد به تقدیر و سرنوشت شده است. ایمان اسلامی برای تغییر دادن نظام اجتماعی و یا مقابله و مخالفت با استبداد سیاسی، هیچ انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کند.^۱ به طور کلی، یکی از دلایل عمده عدم توانایی جوامع اسلامی در رشد و توسعه هماهنگ با خطوط تاریخی غربی و حرکت به سوی یک جامعه مترقی به ذات و ماهیت اسلام مربوط می‌گردد.

۳-۳. شرق‌شناسی به مثابه سازه‌ای هویت‌ساز

در دیدگاه شرق‌شناسی بین غرب که عقلانی، توسعه یافته و برتر است با شرق که نابهنجار، توسعه نیافته و فرودست است، تفاوتی مطلق و نظام‌مند وجود دارد. از دوران باستان، یونانیان تصور خاصی از دوگانگی شرق و غرب داشتند.^۲ تصویری که با برتری فرهنگی خود و بربر خواندن همسایگان شرقی خود همراه بود. این تصور مبنای دوگانه‌سازی‌های اروپاییان در سده‌های متمادی بعدی گردید. مسیحیت به عنوان عقیده محوری اروپا برای هویت بخشی به خود از اسلام به عنوان دیگری بهره می‌برد. در سده‌های بعد از روشن‌گری نیز این دیدگاه قرون وسطایی درباره اسلام تداوم یافت.^۳

سعید بر این باور است که شرق‌شناسی نوعی تصور و عقیده جمعی به اروپایی‌ها بخشیده است که با توسل بر آن و در مقایسه خود با شرقی‌ها بتوانند در راستای هویت بخشی به خود گام بردارند.^۴ تاریخ شرق، بنایی استدلالی متشکل از مجموعه‌ای از عناصر غایب است. عناصری که مشخص کننده ویژگی‌هایی غربی است که در جوامع

۱. غلامعباس توسلی، «نقد تحقیقات شرق‌شناسی درباره رابطه اسلام و سرمایه‌داری»، نامه علوم اجتماعی، ۱۳۷۳، ص ۴.

۲. کارل یاسپرس، آغاز و انجام تاریخ، ص ۹۷.

3. Elgamri, Elzain, Islam in the britishbroodsheets(the impact of orientalism on representations of islam in the british press), p xvii.

۴. ادوراد سعید، شرق‌شناسی، ص ۲۳.

شرقی غایب است. از این جهت، عملکرد گفتمان شرق‌شناسی، تعریف تاریخ شرق به‌عنوان تعیین منفی تاریخ اروپا است.^۱

۳-۴. شرق‌شناسی به‌مثابه سازه‌ای استعماری

نظام دانشی شرق‌شناسی به کشورهای استعماری کمک کرد، ملل شرقی را به زیر سلطه درآوردند. در حقیقت ایدئولوژی شرق‌شناسی محرک استعمار بود.^۲ از نظر سعید، شرق‌شناسی خود را یک رشته علمی، بی‌طرفانه و واقع‌گرا می‌خواند، اما کارکردی در خدمت اهداف سیاسی و اقتصادی مشخصی دارد. مروری بر پیدایش شرق‌شناسی انگلیسی، پیوند آن را با تأسیس کمپانی هند شرقی و استعمار سرزمین‌های آسیایی نشان می‌دهد. دانشمندان علوم اجتماعی بر این باورند که علاوه بر موارد فلسفی و فنی، ساخت قدرت سیاسی نیز در شکل‌دهی به محتوا و جهت‌گیری علوم اجتماعی مؤثر است و نقش سیاست‌های امپریالیستی به‌ویژه در شکل‌دهی تصورات غرب به اسلام و تحلیل جوامع شرقی تعیین‌کننده بوده است.^۳

با مروری بر سیر تاریخی و ارزیابی گفتمان شرق‌شناسی انگلیسی، ردپای استعمار غربی در جریان شرق‌شناسی آشکار می‌شود. با ایجاد کمپانی هند شرقی انگلیس در سال ۱۶۰۰ م/۱۰۰۹ ه.ق. روابط اروپاییان با شرق دچار دگرگونی اساسی گردید و امپراتوری بریتانیا در هند و آسیا موفق گردید، بین سنت علمی-فرهنگی شرق‌شناسان با سلطه سیاسی استعمار بریتانیا پیوند برقرار کند.^۴ به دنبال ایجاد کمپانی هند شرقی و گسترش منافع اقتصادی، تجاری و سیاسی، اعضای کمپانی شروع به فراگیری زبان‌های شرقی و

۱. عباس ولی، *ایران پیش از سرمایه‌داری*، ص ۳۰.

۲. استیون سیدمن، *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ص ۳۴۸.

۳. ترنر، *شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن*، ص ۶۲.

4. Schaar. Stuart, *orientalism at the service of imperialism: orientalism: a reader*, p 182.

به‌ویژه زبان فارسی به سبب کاربرد آن در ایران و شبه قاره هند کردند.^۱ کالج هیلی بوری^۲ به مهم‌ترین مرکز آموزش زبان فارسی و عربی تبدیل شد که در آن سیاست‌مداران، بازرگانان و افسران انگلیسی به فراگیری این زبان‌ها می‌پرداختند.^۳

با آغاز قرن نوزدهم، ایران برای بریتانیا مهم گردید. در درجه اول، اهمیت ایران برای انگلیس به سبب هند بود؛ زیرا به دلیل تهدیدات فرانسه و سپس روسیه، ایران به معبری مهم برای نگهبانی از هند تبدیل شد. از اواسط دهه ۱۸۳۰م. تا پایان دوره قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۳ ه. ق.) خط تلگرافی هند به اروپا از مسیر ایران به سبب برقراری ارتباط بین هند و لندن، اهمیت فراوانی یافت. هم‌چنین، ایران به صورت بازاری برای تولیدات صنعتی انگلستان در آمد.^۴ بعدها اکتشاف نفت در سال ۱۳۲۶ ق. / ۱۹۰۸م. در مسجد سلیمان و بهره‌برداری سریع و گسترده از آن، شرکت نفت ایران و انگلیس را به مهم‌ترین مرکز انگلیس در ایران تبدیل کرد.

ضرورت مقابله با توسعه طلبی فرانسه و روسیه از طریق ایران به سوی هند و منافع دیگر بریتانیا در ایران لازم گردانید که ایران‌شناسی انگلیسی برای سلطه و نفوذ بر ایران و حفظ منافع آن کشور ایجاد شود. بر این اساس، یکی از مشغله‌های همیشگی نظامیان و کارمندان سیاسی انگلیسی، گردآوری اطلاعات و نوشتن کتاب‌هایی درباره مناطق تحت سلطه کمپانی و سرزمین‌های اطراف هند بود. این اطلاعات نقش مهمی در استقرار و تداوم امپراتوری بریتانیا در هند داشتند.^۵ دنیس راییت (د. ۲۰۰۵م.)^۶ درباره شکل‌گیری

1. Macfie, M.L., orientalism, p45.

2. Hailey bury.

۳. ابوالقاسم طاهری، سیر فرهنگ ایران در بریتانیا؛ تاریخ دویست‌ساله مطالعات ایران، ص ۱۷.

۴. سر پرسی سایکس، سفرنامه سر پرسی سایکس یا ده هزار مایل در ایران، ص ۴۴۲.

5. Bowen, H.V., the business of empire: the east india company and imperial british(1756-1833, p151-153.

6. Sir Denis Wright

ایران‌شناسی انگلیسی بیان می‌کند که تهدیدهای ناپلئون در مورد هند، انگلستان را متوجه بی‌خبری از سرزمین‌های همسایه‌ای ساخت که ممکن بود، سپاهیان فرانسه از آن‌ها بگذرند. کسی بیشتر از جان مالکم از این موضوع آگاهی نداشت. او در نخستین مأموریت خویش در ایران به سال ۱۲۱۵ ق.م. ۱۸۰۰م. از شیراز به پدرش نوشت :

همه ساعات فراغتم را صرف پژوهش در تاریخ این کشور خارق‌العاده

می‌کنم که با آن آشنایی اندکی داریم.

مالکم افراد هیئت خود را که شامل کسانی چون سروان گرانت^۱، سروان چارلز کریستی^۲ و ستوان هنری پاتینجر^۳ می‌شد به اطراف ایران برای نقشه‌برداری و بررسی راه‌ها و منابع فرستاد. این امر در سومین مأموریت مالکم هم تداوم یافت. این اطلاعات گردآوری شده به وسیله سروان مک دونالد کنییر^۴ تنظیم گردید و در سال ۱۸۱۳م. در مجله جغرافیایی سلطنتی ایران منتشر شد و برای سال‌ها، منبعی اطلاعاتی درباره ایران بود.^۵ بنابراین، اولین و مهم‌ترین انگیزه مالکم از نگارش کتاب *تاریخ ایران*، انگیزه‌ای رسمی و سیاسی بود.^۶

سیاست‌مدار و دیپلمات کهنه‌کار انگلستان که مدت ۱۲ سال را در ایران گذرانید و از سال ۱۳۳۲/ ۱۹۵۳م. کاردار سفارت انگلیس در تهران و از سال ۱۳۴۲-۱۳۵۰/ ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۱م. وزیرمختار انگلیس در ایران و سپس عضو مؤسسه مطالعات ایرانی در انگلستان بوده است

1. Grant.
2. Charles Christie.
3. Henry Pottinger.
4. Macdonald kennier.

۵. دنیس رایت، *انگلیسیان در میان ایرانیان*، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۶. یاب، «دو مورخ انگلیسی»، *تاریخ‌نگاری در ایران*، ص ۱۳۷.

۴. آرای مالک درباره امنیت سازی در ایران

ضرورت تأمین امنیت، یکی از انگیزه‌های زندگی جمعی و مدنی انسانی و گسترش تمدن و شهرنشینی است. تأمین امنیت مردم از تهدیدهای خارجی و داخلی از کارویژه‌های اصلی و اولیه دولت‌ها از گذشته تاکنون بوده است.^۱ صاحب‌نظران امنیت را عبارت از اطمینان خاطر افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی نسبت به حفظ موجودیت و هویت خود در برابر تحولات عادی و عمدی می‌دانند.^۲ در بررسی مسائل امنیتی، عمده‌ترین پرسش‌ها عبارت است از: امنیت چیست؟ سخن از امنیت چه کسی در میان است یا مرجع امنیت چیست؟ و چگونه می‌توان به امنیت دست یافت؟^۳

در پاسخ به این پرسش‌ها به‌طور کلی، دو گفتمان امنیتی وجود دارد. یکی گفتمانی سلبی و دیگری ایجابی است. گفتمان سلبی، امنیت را در معنای مضیق خود بررسی می‌کند. بدین معنا که آن را در نبود تهدید و کاهش تهدیدها تعریف می‌کند. بر این اساس، امنیت مطلوب به وضعیتی گفته می‌شود که در آن، نسبت به منافع بازیگر و عامل اصلی در بروز ناامنی یا تهدیدی وجود نداشته باشد و یا در صورت وجود، امکان مدیریت آن وجود داشته باشد. مرجع امنیت در این گفتمان، دولت و نیروهای نظامی حاکم است. هم‌چنین قدرت نظامی، موضوعی است که امنیت در زیر مجموعه آن تعریف می‌شود. بدین معنا که هرچه قدرت نظامی بیشتری وجود داشته باشد، امنیت بیشتری برقرار خواهد شد. امنیت مقوله‌ای تأسیسی است که باید تولید شود و در مقابل آن، بی‌نظمی و آشفتگی پدیده‌ای طبیعی است که در زندگی بشر به‌صورت تنازع بقا نمودار می‌شود.^۴ گفتمان سلبی

۱. اخوان کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلام، ص ۱۷.

۲. اصغر افتخاری، امنیت اجتماعی شده، ص ۴.

۳. پل دی، درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ص ۲۹.

۴. افتخاری، امنیت اجتماعی شده، ص ۶۹.

را می‌توان نگاه هابزی^۱ نسبت به مقوله امنیت دانست. ترس از قدرت نظامی دولت، عامل اساسی برقراری نظم اجتماعی است.^۲

در گفتمان ایجابی، امنیت دارای مفهومی موسّع است. امنیت در این معنا، تولیدی اجتماعی است که ارکان مختلف ساختار، ماهیت جامعه و دولت، فرآیندهای اجتماعی و ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن در فرآیند تولید امنیت مؤثر هستند و نه تنها بعد نظامی، بلکه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی را شامل می‌شود. در این گفتمان در کنار دولت، جامعه و هویت آن، مهم‌ترین مرجع امنیت است.

محیط امنیتی همه بازیگران از جامعه تا دولت را شامل می‌شود. فرهنگ مولد هنجارهایی است که رفتارهای دولت و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این وضعیت، امنیت به معنای پایداری الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی برای تکامل است^۳ و به تأثیر از ماکس وبر (د. ۱۹۱۵ م.)^۴ و پارسونز (د. ۱۹۷۹ م.)^۵، نقش نظام اخلاقی و ارزشی جامعه به مراتب مهم‌تر از قدرت دولت در برقراری نظم اجتماعی مؤثر است.^۶

۵. مؤلفه‌های اساسی گفتمان امنیتی اسلام و ایران از دیدگاه مالکم

نتایج مأموریت‌ها و تحقیقات سر جان مالکم به‌عنوان یک دیپلمات نظامی بریتانیا در دربار فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه. ق.) و یک ایران‌شناس تأثیرگذار دارای اهمیت فراوان است. او از سال ۱۷۸۲ م. وارد خدمت نیروی دریایی بریتانیا شد و در سال ۱۷۹۱ م. به خدمت

1. Hobbes.

۲. توماس هابز، لویاتان، ص ۱۸۹

۳. غلامرضا غفاری، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی، ص ۱۲۲.

4. Max Weber.

5. Talcott Parsons.

۶. حسن یوسف‌زاده، اسلام، نظم و امنیت اجتماعی، ص ۲۱۶.

کمپانی هند شرقی در هند درآمد. در این سال‌ها به یادگیری زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در مدتی کوتاه بر زبان فارسی تسلطی کامل یافت.

مالکم سه مأموریت در سال‌های ۱۷۹۹-۱۸۰۱ م. / ۱۲۱۴-۱۲۱۶ ق.، ۱۸۰۷ م. / ۱۲۲۳ ق و ۱۸۱۰ م. / ۱۲۲۵ ق. به ایران داشت. او در این سه مأموریت، آثاری درباره ایران نوشت. آثار او از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار شد. به طوری که او به یکی از بنیان‌گذاران ایران‌شناسی و به گفته هارینگتون^۱، نظریه پرداز شرق‌شناسی انگلیسی تبدیل گردید.^۲

کتاب *تاریخ ایران* او در دو جلد و بیست و شش باب تدوین شده است. جلد اول کتاب با تاریخ سلسله‌های اساطیری و باستانی آغاز می‌شود و تا سقوط صفویه ادامه می‌یابد. جلد دوم کتاب در یازده باب نوشته شده است که به‌ویژه باب ۲۲ «در باب مذهب و شریعت ایرانیان»، باب ۲۳ «در مورد حالات علماء، تجار، سلاطین، وزرا و وضع قضایی کشور» باب ۲۵ «وضع زندگی شاهان و امرا، عادات و رسوم ایرانیان» و باب ۲۶ «بیان وضع کلی مملکت ایران» درباره موضوع این مقاله اهمیت دارد.

اولین ترجمه از این کتاب به وسیله میرزا اسماعیل حیرت از ایرانیان مقیم بمبئی و به درخواست مرتضی‌قلی خان وکیل‌الملک، والی کرمان از ژنرال گلداسمید^۳ (۱۹۰۸ م.) در سال

۱. Harington. نویسنده کتاب *زندگی‌نامه سرجان مالکم*.

2. Jack harington, *sir john Malcolm and the creation of britishindia*, p1.

3. Frederic John Goldsmid

فردریک جان گلدسمیت (۱۸۱۸-۱۹۰۸ م.) افسر ارتش و کمپانی هند شرقی بریتانیا بود که مأموریت‌های گوناگونی را برای دولت بریتانیا در خاورمیانه به انجام رساند. مهم‌ترین مأموریت‌های وی، تعیین مرزهای بین ایران و بلوچستان هند در ۱۸۷۱ م. و مرزهای ایران و افغانستان را در ۱۸۷۲ م. بود. این اتفاق در ایران به قرارداد گلدسمید یا حکمیت گلدسمید مشهور است.

۱۸۸۶م. ۱۳۰۳ق. در بمبئی چاپ شده است.^۱ کتاب *تاریخ ایران* مالکم، نمونه برجسته‌ای از تاریخ‌نگاری شرق‌شناسی به وسیله کارگزاران امپراتوری بریتانیا است که این‌گونه آثار در دهه‌های بعدی به وسیله افرادی، مانند راولینسون (د. ۱۸۹۵م.)^۲، گرت واتسن (د. ۱۸۹۲م.)^۳، لرد کرزن (د. ۱۹۲۵م.)^۴ و سرپرسی سایکس (د. ۱۹۴۵م.)^۵ تداوم یافت. مالکم در جلد دوم کتاب در بیان شرح حال و اقدامات آقا محمد خان قاجار (۱۲۱۰-۱۲۱۱ق.) و در فصول دیگری که آداب، وضعیت و خصوصیات مردم و جامعه ایرانی را شرح می‌دهد به مناسبات دولت و جامعه می‌پردازد. هم‌چنین در کتاب *نماهایی از ایران*، بدون بیان نام خود و در شرح مسافرت خود به توصیف وضعیت طبیعی و اجتماعی ایران می‌پردازد و در آن به صورت بسیار گذرا به موضوعات امنیتی هم اشاراتی دارد. آثار مالکم

۱. میرزا اسماعیل حیرت در سال ۱۲۵۲ ق. در تهران متولد شد و سپس در هند اقامت گزید. در هند به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و تسلط کاملی بر این زبان به دست آورد. او ابتدا به منصب پیشکاری اداره تلگراف خلیج فارس و سپس به مترجمی زبان فارسی دفترخانه دیوانی بمبئی برگزیده شد. سپس در سال ۱۸۷۲م. / ۱۲۸۹ق. در دارالفنون کالج بمبئی بر مسند تدریس زبان فارسی نشست. در مورد اعتبار این ترجمه و مترجم آن، یکی از محققان که این اثر را با مطابقت با متن انگلیسی بررسی کرده است بر آن است که در این ترجمه، ضعف‌هایی کوچک و افزوده‌هایی ناچیز دیده می‌شود، اما برخلاف نظر مرتضی مدرس چهاردهی، ترجمه‌ای دقیق، مستحکم و درعین حال ادیبانه است (ر.ک: هادی وکیلی، «ارزیابی میزان اعتبار ترجمه فارسی تاریخ ایران از سر جان مالکم»، *فصلنامه زبان و ترجمه*، ش ۳، ص ۱۳۳-۱۳۴؛ عبدالحسین سپنتا، «میرزا اسماعیل حیرت»، *ارمغان*، دوره ۲۷، ش ۹، ص ۳۸۵-۳۹۲).

2. Rawlinson.
3. Grant Watson.
4. Lord Curzon.
5. Sir Percy Sykes.

به صورت منسجم به ارائه نظریه امنیتی در مورد جامعه ایران نمی‌پردازند، اما با شرح و تحلیل آثار وی، به خصوص در بیان وضعیت اجتماعی و سیاسی می‌توان دیدگاه امنیتی او را درباره جامعه ایرانی به دست آورد.

۵-۱. امنیت‌سازی در سایه استبداد شرقی

از نگاه مالکم، ماهیت استبدادی حکومت قاجار در چگونگی امنیت‌سازی آن، عامل بسیار مؤثری است. او همانند بسیاری از شرق‌شناسان دیگر، مناسبات دولت و مردم را از منظر نظام استبدادی تحلیل می‌کند. طبیعت استبدادی دولت و جامعه در ایران موضوع محوری کتاب *تاریخ ایران* او است. ایده کلاسیک ایران به عنوان یک کشور استبدادی نیمه‌افسانه‌ای، غرق در تجمل و همراه با اقدامات ظالمانه، فقدان قانون، نبود نهادهای واسطه بین دولت و جامعه در کتاب مالکم بازتولید شده و به عنوان شکل غالب حکومت در ایران به کار گرفته شده است.

از دید او تاریخ ایران، داستان فراز و فرود سلسله‌ها و پادشاهان مستبد است و در این فراز و فرود سریع پادشاهان مستبد و وزرای چاپلوس در شکل و ماهیت حکومت استبدادی تغییری رخ نداده است. او در این باره می‌نویسد:

*گفته شده است پادشاه ایران از جمیع سلاطین عالم به رعایا مطلق‌العنان‌تر
و مقتدرتر است و از زمان قدیم بدین شکل بوده است. مجلسی به جهت
اصلاح امور وجود ندارد. قاعده‌ای است که پادشاه هر چه بخواهد می‌تواند
بکند و هر چه کند بر او بچنی نیست. در عزل و نصب وزرا، قضات و صاحب
منصبان از هر قبیل و ضبط اموال و سلب ارواح از هر صنف علی‌الطلاق
مختار است.^۱*

۱. مالکم، سر جان، *تاریخ ایران*، ص ۷۲۷.

واکاوی نوشته‌های مالکم درباره مناسبات دولت و ملت درباره امنیت نشان می‌دهد که از دید او با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، ماهیت و اعمال استبدادی دولت سبب امنیت‌سازی می‌شود. مالکم مانند نظریه‌پردازان سلبی، امنیت و سلامت مردم را وابسته به نیروی نظامی و قدرت لشکر می‌داند^۱ و حکومت ایران را استبداد نظامی تعریف می‌کند. مفهوم و کارکرد دولت استبدادی از نگاه مالکم، مانند دولتی استبدادی است که در آرای منتسکیو (د. ۱۷۵۵ م.)^۲ و دیگر نظریه‌پردازان استبداد شرقی، مفهوم سازی شده است. مالکم در کتابش از منتسکیو یاد می‌کند و به او ارجاعی نمی‌دهد، اما تأثیرپذیری او از منتسکیو و دیگر نویسندگان عصر روشن‌گری انکارناپذیر است.^۳ منتسکیو در کتاب *روح‌القوانین*، حکومت استبدادی را حکومتی می‌داند که پادشاه مطابق میل فردی خود رفتار می‌کند. مناسبات مردم و دولت مشروطه سلطنتی بر اساس افتخار و در حکومت جمهوری بر اساس شرافت برقرار است، اما در حکومت استبدادی بر ترس مردم استوار است. اطاعت و فرمان‌پذیری مردم از حاکمان بر اساس ترس در چندین جای *روح‌القوانین* منتسکیو تکرار شده است.^۴

منتسکیو مانند مالکم تأکید می‌کند که در حکومت استبدادی اگر پادشاه یک لحظه دست تنبیه را بالا نبرد و اگر کسانی که مقامات بالا را تصاحب کرده‌اند از او نترسند، همه چیز نابود می‌شود.^۵ او درباره دلیل شکست و سقوط صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق.) می‌نویسد:

۱. همان، ص ۷۸۲.

2. Charles de Montesquieu.

3. Harington sir john Malcolm and creation of british india, 88.

۴. منتسکیو، *روح‌القوانین*، ص ۱۱۸، ۱۱۹ و ۲۶۵.

۵. همان، ص ۱۱۹.

صوفی ایران که در همین ازمینه به وسیله میرویس از تخت برداشته شد و حکومتش بر باد رفت، علتش این بود که به اندازه کافی خونریزی نکرده بود و بزرگان و گردنکشان را از بسین نبرده بود... آری استبداد سلاطین اگرچه وحشت آور و ویران کننده است، ولی برای ملت گاهی نتایج نیکویی دارد.^۱

رفتار آقامحمدخان و چگونگی امنیت سازی او در جریان حوادث و وقایع، از زمان جنگ با لطفعلی خان (۱۲۰۳-۱۲۰۹ ه. ق.) تا حوادث کشته شدنش مورد توجه او قرار گرفته است. او قتل عام مردم کرمان به مدت سه روز را از باب مصلحت و سیاست می داند نه خشم و غضب؛ زیرا هدف آقامحمدخان از این گونه تنبیه های سخت، برقراری آرامش و امنیت در ایران بود. او در این باره می نویسد:

در ارزیابی رفتار پادشاهی چون آقامحمدخان، ما باید درباره عواملی که باعث می شد، او دست به آن اقدامات بزند، محتاط باشیم؛ زیرا او در زمانی که دشمن از دست او گریخته بود، با رفتار خشونت بار می خواست موجب عبرت شهرها و ایالت هایی شود که او را یاری نکرده بودند.^۲

مالکم درباره جریان کشتن برادر آقامحمدخان، جعفرقلی خان (د. ۱۲۰۳) به دست او که با اندکی بدبینی صورت گرفت و نتیجه این عمل می نویسد:

اثری که باید بکند، کرد. به این معنی که مقصود پادشاه از این گونه اعمال، آسایش ملت است و از بین بردن علت ناامنی.

در ادامه این گونه قضاوت ها، مالکم کشته شدن پسران شاه عباس صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ ه. ق.) به وسیله پدر را توجیه می کند و این اقدام را برای نجات مملکت از هرج و

۱. همان، ص ۱۲۰.

2. Malcolm, history of Persia, p181.

مرج ضروری و لازم می‌داند.^۱ او در جایی دیگر در تناقضی کامل درباره اعمال آقامحمدخان و رفتار مستبدانه‌اش می‌نویسد:

طبیعتی منتقم داشت. هرچند در ابتدا با مدارا زندگی می‌کرد، ولی بعد از آن که به سلطنت دست یافت، هر کس را که گمان مخالفتی با حکومتش برد، عرصه دمار و بوار ساخته، چشم برکند و یا سر برداشت و به این واسطه گردنکشان ایران را که از مدت‌های دراز سر برآورده بودند، برانداخت.^۲

مالکم یکی دیگر از دلایل استبدادی بودن جامعه ایرانی را قانون چند همسری و زنان را در قید و بند نگه‌داشتن می‌داند.^۳ در دیدگاه او، زنان مسلمان که نیمی از جمعیت جامعه هستند، تحت ظلم قرار گرفته‌اند و برده شده‌اند و مانند حیوانات وحشی در قفس زندگی می‌کنند.^۴ همه این‌ها موجبات استبدادی بودن جامعه و عدم ترقی آن شده است؛ زیرا در یک چنین جامعه مستبدانه‌ای که امنیت و آزادی وجود ندارد، مردم تنها به فکر گذران امور عادی خود هستند و هر قدمی که برای ترقی و صلاح امور خود بردارند، خطری برای آنان مترتب است.^۵

۲-۵. نگاه سلبی به امنیت در ایران و اسلام

از دید مالکم، امنیت‌سازی در ایران، متکی بر سازمان سیاسی و دولت است و این دولت هرچه به استبداد مطلق نزدیک‌تر باشد، امنیت آن بهتر تأمین می‌شود.

۱. مالکم، تاریخ ایران، ص ۶۴۶؛ یاب، «دو موخ انگلیسی»، تاریخ‌نگاری در ایران (مجموعه مقالات)، ص ۱۴۵.

۲. جان مالکم، تاریخ ایران، ص ۶۴۶.

۳. همان، ص ۸۶۳.

۴. جان مالکم، نماهایی از ایران، ص ۱۷۴.

۵. جان مالکم، تاریخ ایران، ص ۸۰۰.

به عبارت دیگر، امنیت در ایران وجهی سلبی دارد، نه ایجابی. مردم در برقراری و ثبات نظم و امنیت نقشی ندارند و برهم زندگان نظم و امنیت و در بهترین حالت، عواملی منفعل هستند. مالکم شرایط جامعه و کشور ایران را بدون ثبات و امنیت به تصویر می کشد و با توجه به اوضاع پر آشوب و هرج و مرج کشور و استقلال خواهی امرا می نویسد:

پادشاه بدون استیلا و استبداد تمام، کاری از پیش نمی برد. بدین خاطر است که سلاطینی که ظلم و تعدی بیشتری کرده اند، ایران در تحت حکومت آن‌ها زیاده معمور بوده و نظم و امنیت بهتری برقرار بوده است.^۱

او درباره ترس مردم از حکومت می نویسد:

در ایران اقتدار پادشاه به خاطر ترسی است که مردم از او دارند. چنانچه گفته شده است که شمشیر سلطان باید همواره برافراشته باشد. پادشاه باید همواره جهت دفع دشمن خارجی و دفع دشمن داخلی آماده باشد؛ زیرا امرای جاه طلب و سرکش اطراف او را احاطه کرده اند و مادام که از او بیم نداشته باشند، نه پادشاه و نه مردم در امنیت و آسایش نخواهند بود.^۲

ملکم بارها تکرار می کند که امنیت به سبب ترس مردم از پادشاه و حکومت استوار است^۳ و به تبع سلطه حکومت استبدادی، ترس عامل تداوم ساختار اجتماعی ایران است. اگر ترس امرای ولایات و ایالات از شاه نباشد، رعیت تحت ظلم امرای سرکش دچار آسیب جدی می شود.^۴ قدرت استبدادی شاه و خشونت زیاد او موجبات آرامش و رعایت

۱. همان، ص ۷۳۱.

۲. همان، ص ۶۵۰ و ۷۶۶.

۳. همان، ص ۷۶۶.

۴. همان، ص ۷۶۶.

حال رعیت به وسیله امرای سرکش و جبار می‌شود و هرچه شاه جبارتر باشد، رفاه مردم و امنیت آنان بیشتر است^۱؛ زیرا مردم به راحتی می‌توانند به دربار شاه و دیوان مظالم دست‌رسی داشته باشند و شاه نیز به سبب مصلحت به دادخواهی آنان رسیدگی می‌کند.^۲

مالکم در جای دیگری می‌نوسد که موروثی و بلامنازع بودن امر سلطنت ممکن است جنگ‌های مکرر خارجی را کاهش ندهد و از ریخته شدن خون انسان‌ها جلوگیری نکند، اما در داخل امنیتی به وجود می‌آورد که به ایجاد نهادی می‌انجامد که کشور را از نهادهای مدنی و نظامی کارآمد و دائمی برخوردار ساخته است و به بخش بزرگی از اتباعش، فرصت کسب علم و دانش و ادبیات می‌دهد.^۳ البته در دیدگاه مالکم، این نوع حکومت برای کشورهای شرقی چون ایران متناسب است نه برای کشورهای اروپایی. او درباره تأثیر استبداد در امنیت می‌نویسد:

به خاطر نزدیکی به قدرت مستبده و بلامنازع است که اهالی پایتخت که به صورت مستقیم تحت اداره پادشاه هستند، مرفه‌ترین اهالی کشورند و مردم ایالات از آن محروم‌اند.^۴

هم‌چنین، او در این باره می‌نویسد:

به خاطر همین توجه پادشاه است که مرفه‌ترین اقشار اجتماع را بازرگانان تشکیل می‌دهد که دارای ثروت و مکنت بسیارند.^۵

۱. جان مالکم، نماهایی از ایران، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۷۶۷.

۳. همان، ص ۲۴۲.

۴. جان مالکم، تاریخ ایران، ص ۷۶۸.

۵. همان، ص ۷۷۵.

مالکم یکی از اولین نظریه‌پردازان جدایی دولت و ملت در ایران است. او بر آن است که در ایران همواره حاکمان، طبقه جدایی از ملت هستند.^۱ او دلیل این امر را حکومت استبدادی و نبود امنیت در جامعه می‌داند و در این باره می‌نویسد:

زیرا قواعد حکومت بد است و موجب آزار و ایزدای مردم است. بنابراین کسانی را که این قواعد را مأمورند، دشمن می‌دارند و همین معنا موجبات گسسته شدن جمیع علائق محبت است مابین حکام و رعایا.^۲

مالکم معمای امنیت^۳ در جامعه ایرانی را به صورتی خاص بیان می‌کند. بدین صورت که در ایران، همواره ممکن است که همان اسباب نظامی و زوری که باعث بنیاد آن شده است و باعث تداوم آن می‌شود، منجر به سقوط و زوال آن شود.^۴

۳-۵. نبود قانون و سنت‌های امنیت‌ساز

نبود قانون و طبقات اجتماعی، موضوع دیگری است که منتسکیو در بررسی استبداد شرقی و به ویژه ایران بر آن تأکید دارد و در این باره می‌نویسد:

قانون در ایران قول پادشاه است و نمی‌توان آن را نقض کرد.^۵

۱. همان، ص ۷۷۶.

۲. همان.

۳. معمای امنیتی (Security dilemma) به این معنا است که افزایش قدرت نظامی به منظور افزایش ضریب امنیتی در عمل به بروز احساس ناامنی بیشتر منجر می‌شود. در نتیجه، سایر بازیگران امنیتی به واکنش مشابهی دست می‌زنند (ر.ک: فرزاد پورسعید، فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت، ص ۱۰۲).

۴. جان مالکم، تاریخ ایران، ص ۷۸۲.

۵. منتسکیو، روح القوانين، ص ۱۲۱.

پردازش استبداد شرقی در اندیشه غربی، منحصر به منتسکیو نیست. این دیدگاه از ماکیاولی (د. ۱۵۲۷)^۱ آغاز شده است و در اندیشه جان لاک (د. ۱۷۰۴م.)^۲ و دیگران نمود داشته است و بعدها اندیشه‌ورزان بزرگی، چون هگل (د. ۱۸۳۱م.)^۳، مارکس (د. ۱۸۸۳م.)^۴ و ماکس وبر (د. ۱۹۲۰م.)^۵ تا ویتفوجل (د. ۱۹۸۸م.)^۶ بر اساس آن، جوامع شرقی را مورد تحلیل قرار داده‌اند. جان مایه اندیشه آن‌ها این است که ساختار اجتماعی جهان شرق با فقدان جامعه مدنی شناخته می‌شود؛ یعنی فاقد شبکه‌ای از نهادها است تا واسطه بین فرد و دولت باشد. فقدان این‌گونه عناصر اجتماعی، شرایط را برای استبداد شرقی مهیا می‌کند که در آن، فرد همواره در برابر حکومت خودکامه مستبد در وضعیتی ناامن است. بر این اساس، نبود جامعه مدنی، هم‌زمان عدم پیشرفت و توسعه سرمایه‌داری، شکل استبدادی حکومت را در جوامع شرقی توجیه می‌کرد.^۷

در این آراء، قدرت سیاسی جوامع شرقی دارای ماهیتی خودسرانه است. اصطلاح استبداد، فقط خصوصیت قدرت سیاسی نیست، بلکه به جوهر واقعی جوامع آسیایی، مانند ایران اشاره دارد که به عنوان جوامع نامتمایزی از اتباع غیرآزاد شناخته می‌شوند که فاقد فردیت و اراده هستند. این اجتماع تحت حاکمیت ترسی است که تنظیم‌کننده اصلی روابط سیاسی و اجتماعی مردم و دولت است.^۸

1. Machiavelli.

۲. جان لاک، رساله درباره حکومت، ص ۴۴.

3. Hegel.

4. Marx.

5. Max Weber.

۶. کارل آگوست ویتفوجل درگذشته به سال ۱۹۸۸م. شرق‌شناس معرف آلمانی و نویسنده کتاب

استبداد شرقی (Witfogel)

۷. برایان ترنر، شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن، ص ۶۶.

۸. عباس ولی، ایران پیش از سرمایه‌داری، ص ۲۸.

۴-۵. تعمیم‌گرایی

کل‌نگری و تعمیم‌گرایی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مطالعات شرق‌شناسی در آثار مالکم و دیدگاه امنیتی او دیده می‌شود. موارد مورد توجه مالکم، جزئی و گزینش شده است، اما به‌صورت قانونی کلی به کار گرفته می‌شود. در دیدگاه مالکم، بی‌نظمی و ناامنی، وضعیت طبیعی کشور و جامعه ایرانی است. ایرانیان با اکراه، اطاعت دولت را می‌پذیرند. همه قبایل صحراگرد، غارت‌گر و راهزن هستند.^۱

او در شرح وضعیت ایالت کردستان می‌نویسد که بین قبایل کردستان و دولت درگیری دائمی وجود دارد.^۲ امرای مقتدر همواره در خیال استقلال هستند و در چنین وضعیتی، بدون ظلم و استیلا، کاری از پیش نمی‌رود. بدین سبب است که ایران تحت حکومت سلاطینی که به ظلم و ستم معروف‌تر هستند، آبادتر بوده است.^۳

۵-۵. اسلام عاملی امنیت‌سوز

از نظر مالکم، بین حکومت مستبدانه که خود سبب ناامنی است با طبیعت مردم ایران، تناسب برقرار بود. عوامل متعددی در پیدایش ناامنی در ایران مؤثر بودند که مهم‌ترین آن‌ها، دین اسلام بود. مالکم مانند بسیاری از شرق‌شناسان، اسلام را دینی الهی نمی‌دید،

۱. جان مالکم، تاریخ ایران، ص ۸۴۸.

2. Malcolm, history of Persian, p133.

۳. باوجود این که مالکم، امنیت ایران را ناشی از استبداد رأی پادشاه و اقدامات خشونت‌بار حکومت می‌داند، اما با تأملی مختصر در باب نظریه‌های امنیت‌سازی و شواهد تاریخی روشن می‌شود که این‌گونه اقدامات استبدادمحورانه نه تنها امنیت‌ساز نیست که امنیت زدا است. برای نمونه، دوران حکومت نادرشاه افشار که یکی از پادشاهان با قدرت نظامی زیاد بود، دورانی با ناامنی بسیار زیاد همراه با قتل و غارت، آشوب و شورش‌های فراوان بود که کشور در این سال‌ها، آرامشی به خود ندید (رک: جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۱۳۱-۱۳۶).

بلکه در موارد متعددی به صورت ضمنی و صریح، الهی و وحیانی بودن اسلام را به زیر سؤال می‌برد. برای نمونه، وجود بهشت در دین اسلام را از ابداعات پیامبر ﷺ نمی‌داند، بلکه آن را برگرفته از عقاید یهودیان، مسیحیان، هندوها و زرتشتیان می‌داند.^۱ هم‌چنین، وجود ملائکه را برگرفته از ادیان زرتشتی و یهود می‌داند.^۲

او مانند بسیاری از شرق‌شناسان، مسلمانان را *Mohomedan* می‌نامد^۳ که کنایه‌ای از غیرالهی بودن دین اسلام و انتساب به شخص پیامبر ﷺ است. هم‌چنین تبعیت ایرانیان از احکام و قوانین قرآن را یکی از عواملی مهمی می‌داند که منجر به تولید ناامنی و بی‌نظمی می‌شود؛ زیرا پیامبر ﷺ به صورت صریحی به پیروان خود می‌گوید که بزنید گردن کفار را. او با آوردن آیاتی از قرآن نتیجه می‌گیرد که شمشیر در اسلام، برهان قاطع است.^۴ در نهایت نتیجه می‌گیرد که همه کسانی که اسلام آورده‌اند در معرض حکومت قهر، غلبه و بی‌ثباتی بوده‌اند.^۵

از منظر مالکم، قرآن اگر از منظر اصول حکومت‌داری نگریسته شود، متناسب با شرایط قبایل غیرتمدن عرب بوده است و این کتاب هم از آغاز برای آن‌ها تدوین شده است، اما با گسترش اسلام، احکام اسلام بر بسیاری از اقوام و جوامعی که در قلمرو اسلام داخل شدند، اجرا گردید. با این قوانین و احکام، غیر ممکن بود که این ممالک وسیع را بتوان اداره کرد. از سوی دیگر، مسلمانان اخذ قوانین و احکام از منبعی به‌جز اسلام و قرآن را کفر می‌دانستند. بدین سبب در هر جایی که اسلام رسوخ کرد، قوانین و سنت‌های قبلی

۱. جان مالکم، تاریخ ایران، ص ۶۶۴.

۲. همان، ص ۶۵۹.

3. Malcolm, history of Persian, p 302/2/ Malcolm, Sketches of Persia, p 152.

۴. جان مالکم، تاریخ ایران، ص ۸۴۹.

۵. همان، ص ۸۶۳.

را منسوخ کرد.^۱ بدین ترتیب از دیدگاه مالکم، دین اسلام و احکام آن، زمینه‌ساز حکومتی نامطلوب، استبدادی و سرکوب‌گر محسوب می‌شود.

مالکم منشأ حکومت مستبدانه و اندیشه و اعمال استبدادی ملل مسلمان را به اسلام نسبت می‌دهد. او دلیل این شیوه حکومت‌داری و رفتار مسلمانان را در دو عامل می‌داند. یکی، اسلام که احکام و قوانین آن، این شیوه را پدید می‌آورد و دیگری، طبیعت و رفتار پیامبر ﷺ. هم‌چنین در دیدگاه مالکم، علاوه بر احکام اسلامی که با آزادی انسانی در تناقض است،^۲ سنت پیامبر ﷺ هم القاکننده استبداد و خشونت بوده است؛ زیرا زندگی پیامبر ﷺ در غزوات و جنگ‌ها سپری شد. پس از پیامبر ﷺ سلاطین و حاکمان اسلامی هم به آن حضرت تاسی کردند و جنگ و جهاد را بهانه‌ای برای رسیدن به اغراض و اهداف شخصی خود نمودند. بدین ترتیب، استبداد رأی و خشونت تبدیل به سنت اخلاقی مسلمانان شد و هر مسلمانی در خانه خود، حاکمی قهار است.

۵-۶. ذات‌انگاری

در دیدگاه مالکم، مسلمانان از کودکی تا بزرگ‌سالی آنچه می‌بینند تحکم، استبداد، فرمان دادن و فرمان‌بری است. افراد همان‌طور که در جامعه، استبداد رأی می‌بینند در خانه هم تحکم می‌کنند. بدین سبب است که استبداد و خشونت، جزو طبیعت ذاتی مسلمانان و جوامع اسلامی شده است. این نگاه ذات‌گرایانه و ایده‌آلیستی که از ویژگی‌های گفتمان شرق‌شناسی است^۳ در دیدگاه امنیتی مالکم وجود دارد. به‌طوری‌که گویا بی‌ثباتی، ناامنی و رفتار مغایر با قانون و امنیت، جزئی از خصوصیات ذاتی ایرانیان گردیده است.

۱. همان، ص ۶۷۳.

۲. همان، ص ۸۶۵.

۳. رک: غلامعباس توسلی، «نقد تحقیقات شرق‌شناسی درباره رابطه اسلام و سرمایه‌داری»، نامه

علوم اجتماعی، ۱۳۷۳، ص ۸.

برای نمونه، او بر آن است که روح غارت‌گری چنان در طبیعت ایرانیان ریشه دوانده است که وقتی یکی از سرکردگان ایرانی از کلکته دیدن کرد و مالکم، نظر او را درباره این شهر پرسید، گفت که عجب جایی است برای چپو.^۱ هم‌چنین، او می‌نویسد که هیچ‌چیز به اندازه غارت برای ایرانیان لذت بخش نیست.^۲ به همین دلیل، شخص مسلمان نمی‌تواند آزادی شخصی و مدنی را درک کند. در نتیجه این وضعیت، ناامنی و استبداد همواره بر جوامع اسلامی مانند ایران حاکم شده است. هرگاه ظلم و استبداد غیرقابل تحمل می‌شود، مردم شورش می‌کنند و فردی را به جای ظالم می‌گمارند، اما این فرد هنوز بر تخت نشسته است که خود به حاکمی ظالم تبدیل می‌شود و مردمی که او را به قدرت رسانده‌اند، سرکوب می‌کند.^۳

۵-۷. دوگانگی امنیت‌سازی در اروپا و شرق

مالکم هویت دوگانه‌ای از انسان و جامعه غربی و شرقی نشان می‌دهد. در نگاه او، انسان و جامعه غربی، متمدن، تربیت شده، قانون‌مند و متمدن است، اما در مقابل انسان و جامعه شرقی، یک جامعه بیمار و ناآرام، غیرمتمدن، تربیت نشده و بی‌قانون است.^۴ بنابراین مالکم معتقد است که مردم این جامعه، ابتدا باید تربیت شوند، بعد مطیع.^۵ البته، تربیت مورد توجه او، فرهنگ و تربیت اروپایی است که ایرانیان باید آن را فراگیرند. هم‌چنین از دیدگاه مالکم، نوع امنیت‌سازی در شرق و ایران با امنیت‌سازی در غرب و انگلستان متفاوت است. به بیان دیگر، او امنیت‌سازی مبتنی بر ترس و قدرت نظامی را

۱. جان مالکم، *نماهایی از ایران*، ص ۲۴۲.

۲. همان، ص ۲۸۳.

۳. جان مالکم، *تاریخ ایران*، ص ۸۶۵.

4. Sir John Mahcoln, sketches of Persia, p123.

۵. جان مالکم، *تاریخ ایران*، ص ۷۸۴.

برای ایران متناسب می‌داند. در حالی که نگاه موسع به مقوله امنیت و در واقع، نگاه وبری-پارسونزی را در امنیت سازی غربی‌ها حاکم می‌داند. در دیدگاه مالکم، امنیت‌سازی در ایران تنها به عملکرد دولت و حکومت وابسته است و جامعه، گروه‌ها و اقشار اجتماعی نقش خاصی برعهده ندارند. تنها نظامی کردن جامعه با استفاده از نهادهای نظامی و کنترلی است که سبب برقراری نظم و امنیت می‌شود.^۱

این در حالی است که عامل ترس و قدرت نظامی، تنها یکی از عواملی است که در برقراری نظم اهمیت و نقش دارند. استقرار نظم و زمینه‌سازی تداوم ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه متکی بر وجود سنن، هم‌بستگی اجتماعی، هنجارهای مشترک و نظام اخلاقی هر جامعه است. برخلاف آنچه مالکم می‌پنداشت، جامعه ایران تنها یک جامعه مبتنی بر کنترل نظامی نبود و تداوم ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران در طول هزاران سال، نقض مدعی او است. برقراری نظم و امنیت نیازمند آمادگی نیروهای نظامی و انتظامی در هر کشوری است، اما تکیه بر خشونت و سرکوب‌گری، امنیت‌ساز نیست. بلکه، امنیت سوز است. به همان میزان که عدالت و نظام اخلاقی سبب برقراری نظم و آسایش عموم می‌شود، ظلم و ستم سبب سستی، اختلال و نابودی جوامع می‌شود.^۲ در تحلیل انتقادی آرای مالکم درباره گفتمان امنیتی اسلام و ایران باید به نکته‌های خاصی توجه کرد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۵-۸. ایجابی بودن نظریه امنیتی اسلام

برخلاف دیدگاه مستشرقانی چون مالکم، امنیت در اسلام جایگاه رفیعی دارد. در قرآن کریم از کلمه امن، ۶۲ واژه مشتق شده است و حدود ۸۷۹ بار در آیات مختلف به کار رفته

۱. در مورد نقش ترس در برقراری نظم و امنیت، ر.ک: ولادیمیر شلاپنتوخ، نظم اجتماعی در

جامعه معاصر، ص ۲۹ و ۳۴.

۲. غلامرضا غفاری، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی، ص ۱۳۹.

است. بین اسلام و امنیت ارتباطی معنایی وجود دارد. معانی اصلی ترکیب «س ل م» با موضوع امنیت، ارتباط نزدیکی دارد. معانی انقیاد، گردن نهادن، صلح، آشتی و ایمن بودن دیگران از فرد مسلمان از معانی اسلام است.^۱ بین ایمان و امنیت هم نسبت معناداری برقرار است و والاترین انسان‌ها در قرآن با تعبیر *الَّذِينَ آمَنُوا* مورد خطاب قرار می‌گیرند. در اسلام همان طور که برخی از اماکن، امن به حساب می‌آیند، برخی از ماه‌ها و زمان‌ها نیز ماه‌های امن به شمار می‌آیند و ماه‌های چهارگانه رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم، ماه‌های حرام از نظر تولید ناامنی هستند.^۲ قرآن کریم، امنیت را از ویژگی‌های شهر/کشور خوب برمی‌شمارد و در این باره می‌فرماید:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ^۳

خداوند به عنوان نمونه، شهری را نشان می‌دهد که دارای امنیت و آسایش است و همواره، روزیش گوارا و گسترده از هر جا می‌رسد.^۴ هنگامی که خداوند در قرآن از مکه یاد می‌کند، آن را با ویژگی امن یاد می‌کند و می‌فرماید:

وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ^۵

در جامعه آرمانی اسلام، امنیت یکی از ابعاد و مؤلفه‌های اساسی جامعه است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

۱. داود غرایق‌زندی، امنیت در اسلام، ص ۹.

۲. مرتضی خسروی، امنیت در قرآن، ص ۴۷ و ۵۹.

۳. نحل: ۱۱۲.

۴. همان.

۵. تین: ۱-۳.

اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَيْمَكِنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً حکمران زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دینی را که برای آن‌ها پسندیده پا برجا خواهد کرد و ترس‌شان را به امنیت و آسایش مبدل خواهد کرد، آن چنان که تنها مرا بپرستید و چیزی را شریک من قرار ندهید.^۱

در این آیه کریمه، وعده تحقق امنیت مطلق پس از استقرار کامل دین و حاکمیت همه جانبه آن بر سرتاسر زمین بیان شده است که از نظر شیعه در حکومت حضرت قائم (عج) تحقق می‌یابد. وجه اثباتی و ایجابی امنیت در اسلام از این تأکید مشخص می‌شود که امنیت مطلوب در اسلام در شرایطی به دست می‌آید که زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی مطلوبی برقرار باشد. به عبارت دیگر، اگر اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم به سامان نباشد، وجود نامنی گریزناپذیر و قهری است. قرآن کریم می‌فرماید:

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ؛ و میان مردم سبا و شهرهایی که در آن‌ها برکت نهادیم، آبادی‌های به هم پیوسته و نمایان قرار دادیم و سیر و سفر را در [میان] آن‌ها متناسب و به اندازه مقرر داشتیم [و گفتیم] شب‌ها و روزها با امنیت در آن‌ها سفر کنید.^۲

۱. بقره: ۵۵.

۲. سبا: ۱۸.

در بخش نخست این آیه کریمه، موضوع امنیت بر وضعیت اقتصادی مردم، مقدم آورده شده است. در بخش پایانی آن، گرسنگی که نشانه وضعیت نامطلوب اقتصادی است بر غلبه ترس و نگرانی که دلیل وجود ناامنی است، پیش افتاده است که بیان‌گر ارتباط تنگاتنگ و درهم تنیده میان این دو مقوله است؛ یعنی با وجود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مطلوب است که امنیت به دست می‌آید.^۱ در دولت نبوی، امنیت در شکل ایجابی آن به عنوان رکنی حیاتی در ذیل مفهوم محوری سعادت‌مندی معنا و حضور می‌یابد.^۲

در دولت نبوی دعوت، مجادله احسن، معاهده، عقد قرارداد و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کنار دفاع و جهاد مطرح است و برخلاف آرای مستشرقان، جنگ چهره نخست گفتمان امنیتی اسلام نیست.^۳ سیره امنیتی پیامبر ﷺ از سوی مخالفان اسلام و منتقدان دین اسلام متهم به خشونت، جنگ طلبی، استبداد، گسترش از طریق جنگ و شمشیر و فقدان عقل و منطق در سیر و سلوک خود شده است. در حالی که هر انسان آگاه و منصفی با بررسی تاریخ صدر اسلام، متوجه سیره امنیتی انسانی، الهی، منطقی، عادلانه و منصفانه پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام می‌شود که مبتنی بر رعایت حق حیات، حق کرامت، حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم و دعوت پیروان ادیان دیگر به هم‌زیستی متقابل و برخورد با ظلم و شرک و دعوت به پیروی از توحید است.^۴

برخلاف آنچه مالکم می‌پندارد، نظم اجتماعی مطلوب در اسلام به‌گونه‌ای است که در آن به حقوق و آزادی‌های فردی و عدالت اجتماعی آسیبی نرسد. برخلاف عقیده شایع، اسلام عدالت را به خاطر امنیت قربانی نکرده است. در اسلام، ایمان و امنیت به هم پیوند

۱. موسوی کاشمری، دولت اسلامی و امنیت، ص ۹۰.

۲. اصغر افتخاری، قدرت، امنیت، شریعت، ص ۱۸۶.

۳. افتخاری، امنیت در اسلام، ص ۴۶.

۴. لک‌زایی، امنیت در اسلام، ص ۴۷.

خورده است و ثمره ایمان، امنیت شده است.^۱ از دیدگاه اسلام، صلح با زندگی فطری انسان‌ها هم‌خوان است و صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با دیگر انسان‌ها با عقاید و مذاهب گوناگون یک ارزش و هدف است. در شرایط صلح، دستیابی به کمال و سعادت انسان، امکان بیشتری دارد. اسلام از همان آغاز ظهور خود، انسان‌ها را به هم‌زیستی و صلح بر اساس آموزه‌های الهی دعوت می‌کند.^۲

به‌طور کلی در گفتمان اسلامی، امنیت چند ویژگی اساسی وجود دارد: ۱. اسلام رویکردی اجباری به امنیت دارد تا سلبی؛ ۲. در بحث امنیت‌سازی دارای طرحی پیچیده و چندمنطقی متناسب با سطوح فعالیت انسان و نیازهای او است و هرگز با مقوله امنیت تک‌منطقی و ساده - با تکیه بر بعد نظامی - برخورد نمی‌کند و ۳. افزون بر ساختار به جایگاه فرد و تأثیر سازنده او در معادلات امنیتی، تأکیدی ویژه دارد.^۳ به‌طور کلی، جوهر اسلام بر سلام و ایمنی است. هم‌چنین از صفات برجسته الهی، ایمنی‌بخشی و دادن آرامش به انسان‌ها^۴ است و این که فرجام تاریخ با استقرار سطحی از ایمنی شناسانده می‌شود.

۵-۹. عدم تفارق بین دین و تاریخ دین

در تحلیل و بررسی گفتمان امنیتی اسلام باید بین دین و تاریخ دین، تفکیک شود. یکی از اشتباهات مالکم و دیگر مستشرقان، عدم تفکیک دین و آموزه‌های آن با حوادث و

۱. برای نمونه، انعام: ۸۲ و نور: ۵۵.
۲. برای نمونه در سوره بقره، آیه ۲۰۸ می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید همگی از در صلح آبیید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید. هم‌چنین در سوره ممتحنه آیه ۸، سوره احزاب آیه ۲۵ و سوره عنکبوت آیه ۴۶ آیاتی با مضامین مشابه آورده شده است.
۳. اصغر افتخاری، امنیت در اسلام (میزگرد)، علوم سیاسی، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۴.
۴. حشر: ۲۳.

وقایع تاریخی و سازمان‌ها و نهادهای ایجاد شده در طول تاریخ جهان اسلام است. ایده و آموزه‌های امنیتی دین اسلام ذاتی دین هستند و نهادها و سازمانهای امنیتی برآمده در جوامع اسلامی عرضی هستند و نسبت آن‌ها با آموزه‌های دینی می‌تواند مورد بررسی انتقادی قرار گیرد.

ایده امنیت، بحثی نظری و مربوط به حوزه شناخت و ماهیت دین است، اما سازمان‌ها مربوط به سازوکارهای اجرایی برای ایجاد امنیت است و سازمان‌های امری مکان‌مند و زمان‌مند محسوب می‌شوند.^۱ اسلام، دینی فرازمانی و فرامکانی است و تنها برای مردمان صدر اسلام نبوده است که فقط مسائل و ملاحظات آن عصر را پوشش دهد. بلکه ویژگی مهم دین اسلام، گره‌گشایی ملاحظات جدید در زمان‌های مختلف است. چنانچه نسل‌های مختلف می‌توانند از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی بهره‌مند شوند.

دیدگاه مالکم درباره امنیت از برخی جنبه‌ها، دیدگاهی واقع‌گرایانه است. حکومت ایران استبدادی بود و نگاه سلبی به امنیت بر جنبه ایجابی آن، غلبه بیشتری داشت، اما این امر به خاطر شرایط خاص تاریخی و اجتماعی بوده است و دلیل آن، نسبت مستقیمی با دین اسلام ندارد. واقعیت این است که در جهان اسلام، برخی تحولات تاریخی و سیاسی، زمینه را برای تغییر گفتمانی امنیت فراهم کردند و تبدیل امامت به خلافت و سپس سلطنت، عاملی مهم و اساسی بوده است.

ظهور اسلام و بعثت رسول گرامی اسلام ﷺ منجر به حرکتی عظیم و تمدن‌آفرین در جهان شد و سبب اصلاحات و پیشرفت اساسی در عصر و اجتماع آن روز گردید، ولی پس از رحلت ایشان، تعصبات قبیله‌ای و اشرافی‌گری در مقابل ساختار و آموزه‌های اسلامی دوباره سربرآورد و در نهایت امامت و ولایت به خلافت و سلطنت تبدیل گردید. با دگرگونی در امامت و تبدیل آن به خلافت و سلطنت، زمینه انحراف از گفتمان امنیتی ایجابی اسلامی به گفتمان سلبی و مسخ آموزه‌های مرتبط با آن فراهم گردید.

۱. اصغر افتخاری، امنیت در اسلام، ص ۹.

بدین ترتیب با تبدیل امامت به خلافت - سلطنت، گفتمان ایجابی و اثباتی امنیتی اسلام به گفتمان سلبی و به بیانی اندیشه سیاسی اسلام به گفتمان امنیتی شدن دگرگون شد و عطف توجه به حفظ قدرت و رواج ابزارهای سرکوب‌گرانه جهت صیانت از حکومت عینیت یافت. به عبارت دیگر، حضور ضابطه‌مند امنیت در حکومت نبوی و دولت علوی که امنیت را در ذیل مفاهیم کلان‌تری چون توحید، سعادت، عدالت و مانند آن می‌آورد، با گذار از آن دوران، روندی انحرافی را پیمود و خود به عامل مستقل و مسلط بر سایر مفاهیم تبدیل شد.^۱

اندیشه سیاسی که در جهان سنت بر این مینا تدوین و ترویج گردید بر مشروعیت تغلب و خودکامگی و تأیید امنیت مبتنی بر آن استوار شد. ویژگی و محور اصلی این گفتمان، تقدم امنیت بر عدالت و دیگر آموزه‌های اسلامی بود. در این گفتمان، عدالت و برتری پیشوای عادل به موضوعی ثانوی تبدیل شد و عدالت به نفع امنیت، قربانی اقتدار و اطاعت از سلطان حتی جائر شد. اقبال فقه سیاسی اهل سنت به تأیید و مشروعیت‌بخشی به حکومت خودکامه و ناچیز شمردن عدالت در مقابل برقراری امنیت سبب رکود گفتمان ایجابی امنیت و نظریه عدالت‌خواهان آن گردید و نتیجه آن، تحول اندیشه سیاسی از آرمان‌خواهی به واقع‌گرایی شد.^۲

لازمه امنیت‌سازی در این گفتمان، عدول از احکام اسلامی و تأمین امنیت به هر روش و امکانی هر چند تکیه بر استبداد و خودکامگی بود. در حالی که در احکام اصیل اسلام و سیره نبوی و علوی، امنیت خود هدف غایی نیست، ولی امنیت مقدمه اجرای عدالت است و هدف از برقراری امنیت، ایجاد زمینه مناسب بر اساس عدالت است. در نظام سیاسی اسلام برای دستیابی به عدالت در برخی موارد می‌توان امنیت را خدشه‌دار کرد.^۳ بر این

۱. اصغر افنخاری، قدرت، امنیت، شریعت، ص ۱۸۶.

۲. اخوان کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلام، ص ۸۲-۸۶.

۳. لکزایی، امنیت در اسلام، ص ۱۰.

اساس، کسی حق ندارد برای رسیدن به امنیت از راه‌های غیرعادلانه استفاده کند. هر عملی که ظلم به حساب آید، خود مساوی با ناامنی است. پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید:

الملك يتي مع الكفر ولا يتي مع الظلم.

هم‌چنین، امیرالمؤمنین به مالک اشتر در این باره فرمودند:

ایک والدماء و سفکها بغیر حلها: مواظب خونی باش که خداوند ریختن آن

را حلال نکرده است.^۱

۵-۱۰. جهاد و امنیت

برخلاف نظر مستشرقانی چون مالکم، اسلام دین خشونت نیست و برای حفظ امنیت و ارزش‌های خود با غیرمسلمانان در ستیز دائمی نیست. اصل اولیه در رابطه اسلام بین مسلمانان و دیگر ملل بر اساس صمیمیت و صلح است. مگر این‌که تهدیدی علیه منافع مسلمانان و مصالح و عزت آن‌ها پدید آید. جهاد در اسلام، تلاشی در راستای تأمین امنیت، سلامت، تضمین حاکمیت، استقلال و دفاع از حاکمیت امت اسلامی است. این حقیقتی است که آیات الهی بر آن مهر تأیید می‌زنند.^۲

۱. بخشی نهاوندی، هویت و امنیت ملی در اسلام، ص ۶۸.

۲. موارد مجاز به جنگ در قرآن را می‌توان در دفاع از سرزمین (حج: ۳۹ و ۴۰)، دفع متجاوزان (بقره: ۱۹۰)، رفع نیرنگ و فتنه (بقره: ۱۹۳)، یاری مظلومان و ستم‌دیدگان (نساء: ۷۵) و جنگ با نقض‌کنندگان پیمان (توبه: ۱۳) دید. به‌طورکلی، جهاد اسلامی جنگی شرعی و عادلانه برای حفظ بقا و امنیت جهان اسلام است و نباید آن را با اقدامات گروهک‌های افراطی که چهره اسلام را مخدوش می‌کنند، همانند دانست (رک: ابراهیم شهروز، علی‌اصغر ستوده و احسان شیخون، «بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم»، مطالعات جهان اسلام، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ص ۱۳ و ۱۴).

در احکام و آموزه‌های دین مبین اسلام، جهاد نه عامل ناامنی و خشونت که عاملی اساسی برای تأمین امنیت است. در آیات قرآن و روایات اسلامی بر اهمیت جهاد و مسائل مربوط به آن بسیار تأکید شده است. درون‌مایه بسیاری از این آیات و روایات، جلوه‌هایی از نعمت امنیت و لزوم دفع تهدیدها و بهایی است که مسلمانان در راه تأمین امنیت باید بپردازند.^۱ قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ، به کسانی که

جنگ بر آنها تحمیل شده است، اجازه جهاد داده شده است، چرا که مورد ستم

واقع شده‌اند و خداوند بر یاری آنها توانا است.^۲

۵-۱۱. وجود سنت‌ها و قوانین امنیت‌ساز

یکی از محورهای اساسی دیدگاه مالکم و دیگر شرق‌شناسان در تحلیل و نظریه‌پردازی درباره جوامع شرقی و اسلامی، فقدان قانون و سنت‌هایی است که نظام اجتماعی این جوامع را سامان می‌دهند. در مورد فقدان قوانین جدید وضعی تا اواسط دوران جدید، این دیدگاه را می‌توان تأیید کرد، اما آیا این بیان به معنای نبود هیچ‌گونه قانون، مقررات و سنتی است؟ در این صورت، مرز بین اغتشاش، هرج و مرج و حکومت مطلقه را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

ادبیات شرق‌شناسی درباره چگونگی امنیت‌سازی با این تناقض روبه‌رو است که چگونه جامعه‌ای در حالت بی‌قانونی محض، هرج و مرج، آشوب و بحران دائمی و آشفتگی همیشگی دچار فروپاشی نمی‌شود و انسجام خود را حفظ می‌کند. در ایران، محاکم به دو گونه شرعی و عرفی تقسیم می‌شدند. محاکم شرع بر اساس قوانین موجود در منابع دینی

۱. بخشی نهادندی، هویت و امنیت ملی در اسلام، ص ۲۶.

۲. حج: ۳۹.

استوار بودند و به گفته امین در *دادرسی شرعی*، تمام قواعد و احکام ماهوی و آداب و رسوم شکلی *دادرسی کاملاً منظم و قابل پیش‌بینی بود*.^۱

به نظر می‌رسد، همان‌طور که پرفسور گوچ خطاب به هابز (د. ۱۶۷۹م.) می‌گوید، مالکم و دیگر نویسندگان استبداد شرقی، متوجه این نکته نبوده‌اند که رسوم، عادات و سنت‌ها پیش از قوانین مدون وجود داشته‌اند و در بسیاری از موارد، ضمانت اجرایی رسوم و عادات از قوانین مدون بیشتر است.^۲ مالکم در جاهای مختلف کتابش به وجود و کارکرد این نوع از قوانین اشاره می‌کند. به عنوان نمونه، او تأکید می‌کند که پادشاه می‌تواند اهل دیوان و لشکر را سیاست کند، اما اگر در سایر طبقات امری قابل ملاحظه سلطان روی دهد، ملاحظه شریعت و قوانین ملکی باید بشود.^۳

هم‌چنین، مالکم در وصف چگونگی تأمین امنیت کشور در زمان آقامحمدخان می‌نویسد:

اهالی ملک به حکم نصف و قطاع الطریق از بیم سیاست او بر جاده صواب بودند... و از ضابط بلوک تا حاکم برگنه [ایالت]، هر کس خلاف قانون از او ظاهر می‌شد در معرض سیاست درمی‌آمد.^۴

۱. سیدحسین امین، «نظام قضایی ایران از آغاز تا انقلاب مشروطیت»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۵، ش ۹، ص ۳۳؛ البته، این نظر به معنای نفی مسائل و ناکاستی محاکم و قوانین موجود در محاکم عرفی و شرعی در تاریخ ایران نیست. این محاکم و اقدامات امنیت‌سازانه آن‌ها با مسائل و کاستی‌های متعددی در حوزه قوانین و مقررات و تشکیلات و نظام سیاسی ناشی از آن مواجه بود (ر.ک: ثواقب، «مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه از آغاز تا مشروطه (۱۲۰۹-۱۳۲۴ ق.)»، جستارهای تاریخی، سال ۶، ش ۵، ص ۲۳-۴۵).

۲. محمود صناعی، *آزادی فرد و قدرت دولت*، ص ۱۷.

۳. جان مالکم، *تاریخ ایران*، ص ۷۳۱.

۴. همان، ص ۶۵۰.

سنت‌ها، رسوم و شریعت جزئی مهم از قوانین نانوشته ایران را تشکیل می‌دادند و حتی می‌توان ادعا کرد که در عصر حاضر نیز این امر جریان دارد. مالکم در جاهای مختلفی از کتابش، وجود این امر را باور دارد. او در این باره می‌نویسد:

هیچ چیز مانع اجرای حکم پادشاه نمی‌شود، مگر مراعات شریعت.^۱

۶. نتیجه

شرق‌شناسی به‌عنوان مجموعه مطالعات و پژوهش‌ها درباره امور جوامع شرقی، نقش عمده‌ای در شکل‌دهی به شناخت مسائل اجتماعی و سیاسی این جوامع داشته است. مناسبات دولت و مردم و چگونگی امنیت‌سازی در جوامع شرقی از این مسائل هستند. سر جان مالکم به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین ایران‌شناسان که کتاب *تاریخ ایران* او جایگاه برجسته‌ای در شناخت تاریخ و جامعه ایران داشته است، امنیت‌سازی در ایران را از منظر حکومت استبدادی تحلیل می‌کند. مالکم جامعه ایرانی را به‌صورت طبیعی، جامعه‌ای مبتنی بر عدم ثبات و ناامنی دائمی به تصویر می‌کشد.

او تحت تأثیر نظریه استبداد شرقی منتسکیو و با دوگانه‌سازی جوامع غربی و شرقی بر آن است که با توجه به ماهیت جامعه ایران، مناسب‌ترین روش برای برقراری امنیت، روش مستبدانه و خشونت‌بار پادشاه و کارگزاران دولت با تکیه بر نیروی نظامی است. شدت عمل پادشاه و ترس مردم از وی، تنها راهی است که در ایران می‌تواند امنیت را برقرار سازد و از هرج‌ومرج و بی‌ثباتی جلوگیری کند. هم‌چنین، دین اسلام و احکام آن، یکی از عوامل تولید ناامنی و بی‌ثباتی در جوامع اسلامی از جمله ایران است؛ زیرا اسلام در ذات خود، عامل ناامنی و استبداد است. علاوه بر احکام اسلامی، سنت پیامبر ﷺ هم در تشویق و ترغیب مسلمانان به خشونت و جدال عامل مؤثری بوده است.

۱. همان، ص ۷۲۷.

با وجود برخی واقعیت‌های تاریخی در آثار مالکم، نظریه استبداد شرقی توانایی تبیین کامل چگونگی امنیت‌سازی و سازوکارهای تولید امنیت در ایران را ندارد. این مفهوم، پیش از آن که بر اساس واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی ساخته شده باشد، با هدف نقد جوامع غربی به وسیله اندیشمندان غربی ساخته شده است. تداوم ساختار اجتماعی ایران، بیش از آن که بر اساس عامل ترس از قدرت حاکمه باشد، بر بنیان فرهنگ و سنت‌های اجتماعی و آموزه‌های دینی استوار بوده است. اسلام نه تنها دین خشونت، جنگ و ناامنی نیست که در ذات خود دین صلح، همزیستی و امنیت است. در مواردی هم که اسلام، مسلمانان را به جنگ و کشتار دعوت می‌کند برای دفع شر و برقراری صلح و امنیت همه‌جانبه است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز، بی‌تا.
۳. آدمیت، فریدون، *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
۴. آشوری، داریوش، *ما و مدرنیت*، تهران: صراط، ۱۳۷۱.
۵. اخوان کاظمی، بهرام، *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: کانون اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۶. افتخاری، اصغر، *امنیت اجتماعی شده*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۲.
۷. افتخاری، اصغر، «امنیت در اسلام (میزگرد)»، *علوم سیاسی*، تابستان ۱۳۸۵.
۸. افتخاری، اصغر، «قدرت، امنیت، شریعت؛ درآمدی بر جایگاه امنیت در اندیشه و عمل فقهای شیعه در عصر قاجار»، *مطالعات راهبردی*، ۱۳۸۳، شماره ۲۳.
۹. الویری، محسن، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۱۰. امین، سیدحسین، «نظام قضایی ایران از آغاز تا انقلاب مشروطیت»، *پژوهش حقوق عمومی*، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۹.
۱۱. بخشی‌نهادی، محمدعلی، *هویت و امنیت ملی در اسلام*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۲. پورسعید، فرزاد، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۲.
۱۳. ترنر، برایان اس، *شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن*، ترجمه محمدعلی محمدی، تهران: نشر یادآوران، ۱۳۸۴.

۱۴. توسلی، غلامعباس، «نقد تحقیقات شرق‌شناسی درباره رابطه اسلام و سرمایه‌داری»، نامه علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۷۳.
۱۵. توفیق، ابراهیم و امیررضا رضی سنجانی، «تأملی در جامعه‌شناسی تاریخی ایران؛ بررسی دیدگاه‌های ماشاالله آجودانی از منظر چارچوب‌های شرق‌شناسانه و مبتنی بر گسست تاریخی»، مطالعات سیاسی، ۱۳۹۰، شماره ۱۳.
۱۶. ثواقب، جهانبخش، «مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه از آغاز تا مشروطه (۱۲۰۹-۱۳۲۴ ق)»، جستارهای تاریخی، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۵.
۱۷. خسروی، مرتضی، امنیت در قرآن؛ رویکردی تفسیری-تبیینی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۶.
۱۸. رایت، دنیس، انگلیسیان در میان ایرانیان، ترجمه غلام‌حسین صدری افشار، تهران: اختران، ۱۳۸۵.
۱۹. رحمانیان، داریوش و ابراهیم توفیق، «سنت‌های شرق‌شناسی در مطالعات اسلامی-ایرانی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مرداد ۱۳۹۲، شماره ۱۸۳.
۲۰. سایکس، سفرنامه سرپرسی سایکس یا ده هزار مایل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۳۶.
۲۱. سینتا، عبدالحسین، «میرزا اسمعیل حیرت»، ارمغان، آذر ۱۳۳۷، شماره ۹.
۲۲. سعید، ادوارد، شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۳. سیدمن، استیون، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
۲۴. شعبانی، رضا، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۹.

۲۵. شلاپنتوخ، ولادیمیر، *نظم اجتماعی در جامعه معاصر*، ترجمه اصغر صارمی شهاب، تهران: جامعه شناسان و مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور، بی تا.
۲۶. شهروز، ابراهیم، علی اصغر ستوده و احسان شیخون، «بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم»، *مطالعات جهان اسلام*، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۲۷. صناعی، محمود، *آزادی فرد و قدرت دولت*، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۷۹.
۲۸. طاهری، ابوالقاسم، *سیر فرهنگ ایران در بریتانیا: تاریخ دو بیست ساله مطالعات ایران*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.
۲۹. طرفداری، علی محمد، *ملی گرایی، تاریخ نگاری و شکل گیری هویت ملی نوین در ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۷.
۳۰. غرایق زندی، داود، *امنیت در اسلام؛ مبانی نظری و تحولات تاریخی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۴.
۳۱. غفاری، غلامرضا، *سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی*، تهران: نشر جامعه شناسان و سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، ۱۳۹۰.
۳۲. فوران، جان، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۸۶.
۳۳. قدیمی قیداری، عباس، *تداوم و تحول تاریخ نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۳.
۳۴. قانع راد، محمدمین، توفیق، ابراهیم و کجویان، حسین، «از شرق شناسی تا عقلانیت سنت و عقلانیت مدرن»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، آبان و آذر ۱۳۹۰، شماره ۴۶ و ۴۷.
۳۵. قانع راد، محمدمین، توفیق، ابراهیم و کجویان، حسین، «مشکل علوم اجتماعی بیوند آن با شرق شناسی است»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، آبان و آذر ۱۳۹۰، شماره ۴۴ و ۴۵.
۳۶. لاک، جان، *رساله درباره حکومت*، ترجمه حمید عضدانلو، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.

۳۷. مالکم، سر جان، *نماهایی از ایران*، ترجمه شهلا طهماسبی، تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.
۳۸. مالکم، سر جان، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، ج دوم، تهران: انتشارات یساولی، ۱۳۶۲.
۳۹. محمود، محمود، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم*، ج ۱، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۵۳.
۴۰. منتسکیو، روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۹.
۴۱. موسوی کاشمیری، سید مهدی، *دولت اسلامی و امنیت*، قم: پژوهشگاه اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۴۲. وکیلی، هادی، «ارزیابی میزان اعتبار ترجمه فارسی تاریخ ایران از سر جان مالکم»، *فصلنامه زبان و ترجمه*، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۳.
۴۳. ولی عباس، *ایران پیش از سرمایه‌داری*، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۴۴. ویلیامز، پل دی. *درآمدی بر بررسی‌های امنیتی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.
۴۵. هابز، توماس، *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۴۶. یاپ، م. ای، «*دو مورخ انگلیسی*»، *تاریخ‌نگاری در ایران (مجموعه مقالات)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۰.
۴۷. یاسیرس، کارل، *آغاز و انجام تاریخ*، ترجمه محمدحسین لطفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
۴۸. یوسف‌زاده، حسن، *اسلام، نظم و امنیت اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۰.
49. Bowen, H.V. *the business of empire: the east india company and imperial british(1756-1833)*, new York, Cambridge university press, 2006.

50. Elgamri, Elzain, *Islam in the britishbroodsheets(the impact of orientalism on representations of islam in the british press)*, uk,Ithaca press, 2008.
51. Gemie, Sharif, loti, *orientalism and the fresh colonial experience*, journal of European area studies, vol,8,no 2, 2000.
52. Jack harington, *sir john Malcolm and the creation of britishindia*, new York, palgrave macmillan,2010.
53. Macfie, M.L., *orientalism*, longman, 2002.
54. mahcolm, Sir john, *sketches of Persia*, j. murry. Oxford university. 1854.
55. mahcolm, Sir john, *History of Persia*, London. Jhon murray. 1815.
56. Schaar. Stuart, *orientalism at the service of imperialism: orientalism: a reader*, edited by a.l. macfie, new York, new York university press,2000.



